



ازدواج افلاک و عناصر و اولاد آنها

اسطوقس لغتی یونانی است که به اصل شیئی گفته میشود به طوری که قیام اجزاء تشکیل دهنده شیئی به آن وابسته است.

اسطوقسات مرکبات سفلیه، عناصر اربعه (آتش، هوا، آب، آتش) میباشد. زیرا این عناصر مرتبه های ظاهر اثر بوده و جهت نفس در ایشان غالب است و برای فرزندان خود (مرکبات سفلی) همانطور که [توضیح دادیم](#) نقش مادر را دارند ، همانطور که افلاک نقش پدر را ایفا میکنند زیرا در آنها جهت مؤثر غالب میباشد.

اولاد حاصل از این دو، اجسام مرکب سفلی میباشد که از نکاح آنها بر طبق کتاب خداوند و سنت پیامبر (ص) حاصل میشوند و خطبه عقد دائمی ایشان را ولی خدا (ص) خوانده با مهر السنه که همان پانصد درهم است که عوض آن مقامات پنجگانه توحید را در ده نور و آن ده نور را در ده طور آسمان به زمین میدهد.

پس از این نکاح، قوای آسمان که بمنزله نطفه باشد در رحم عناصر اربعه قرار گرفته و بواسطه

حرارت پرتوهای کواکب منعقد شد.

آنچه در حد نطفه باقی ماند به جماد تبدیل شد، آنچه به حد علقه رسید تبدیل به معادن شد، آنچه به مرحله مضغه رسید برزخی مابین معادن و نبات شد (مانند مرجان و صدف). موجودی که به مرحله روییدن استخوان رسید نبات (گیاه) شد و آنچه بر او گوشت رویید برزخی ما بین نبات و حیوان شد (مانند نخل یا بعضی گیاهان گوشت خوار) و موجودی که روح در آن دمیده شد حیوان شد.

و همه این مراتب مقدمات وجود انسان بودند که فرزند نهایی افلاک و عناصر است اما هر کدام از موارد فوق در مرحله ای سقط شده و بکمال خلقت نرسیدند. و به این جهت است که خداوند میفرماید: فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقَرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا

و معنی غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ در آیه فوق جماد و نبات و حیوان و برازخ ما بین آنها است و طفل (فرزند) انسان است که علت غایی وجود میباشد.